

انتخابات

مروری بر رویدادها

حسن علوی

مرحله اول انتخابات بدانسان که شرحش در بالا رفت برگزار شد. هر چند بررسی کامل روند و نتایج حاصله از این انتخابات - که از نظر شدت تقلب با انتخابات گذشته قابل قیاس نیست - احتیاج به روشن شدن نتایج مرحله دوم دارد، معهذاً میتوان خطوط کلی زیر را دربارۀ چگونگی شرکت نیروهای مختلف، سیاست آنان در پرتو نتایج بدست آمده ترسیم نمود.

* حزب جمهوری اسلامی

حزب جمهوری اسلامی که در انتخابات ریاست جمهوری مفتضحانه عقب نشسته بود و عملاً بدون شرکت در انتخابات کرسی ریاست جمهوری را بدوستان "سوسیال دموکراش" سپرده بود، حزبی که بنا بر اعتراف رهبرش بهشتی دیگر فرا گیر نبود، توانست در فاصله بین انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس، از فرصت سود جوید و خود را برای کسب اکثریت کرسیهای پارلمان آماده نماید. شرایط خاصی که در نتیجه کسالت خمینی ودور بودن وی از صحنه سیاست و انتخاب بنی صدر بمثابه رئیس جمهور پیش آمده بود، مقارن با فرصتی بود که حزب میتوانست اظهار وجود محدودی نماید. زیرا از یکسو عملاً انعکاس بیماری خمینی و انتخاب بنی صدر در اذهان عمومی بر شکست حزب جمهوری اسلامی در انتخابات ریاست جمهوری سایه می افکند و از سوی دیگر با مشخص نبودن میزان قدرت واقعی رئیس جمهور، بهشتی و شرکاء از امکان مانور بیشتری برخوردار بودند. بی جهت نیست که بمحض رفع کسالت خمینی قدرت واقعی بین بنی صدر و بهشتی تقسیم میگردد. کسالت خمینی بهر دو ثابت نمود که بدون کمک و پشتیبانی از یکدیگر قادر به ادامه حیات نیستند. این نکته را نه صرفاً آیندو، بلکه بیش از هر کس دیگر خمینی درک نمود. خمینی دریافت که اگر ائتلاف نهائی در زمان حیات او انجام نگیرد پس از او آنچه از اسلام باقی میماند فقط نامی است و بس. بنابراین با اشغال کرسی ریاست جمهوری توسط بنی صدر و انتصاب وی به فرماندهی کل قوا، بهشتی نیز به ریاست دیوان عالی کشور منصوب شد، به پستی که طبق مفاد قانون اساسی مصوبه خود آقای بهشتی، اشغال کننده اش حق درخواست عزل رئیس جمهور را از "رهبر" و یا شورای نگهبان قانون اساسی، دارد. و این انتصاب بسیار مهم در زمان انجام یافت که بهشتی در مظان شدیدترین اتهامات قرار داشت. همچنین کسانی از جانب امام بعنوان اعضای شورای نگهبان قانون اساسی انتخاب شدند که جز آیت الله کنی - یار و همدم آقای بهشتی - از نظر سیاسی و اجتماعی و همچنین مقامشان در سلسله مراتب روحانیت - امکان عرض اندام در مقابل حزب جمهوری اسلامی و جامعهی "روحانیت

با برگزاری اولین انتخابات مجلس اسلامی جمهوری اسلامی، دموکراسی در ایران چهره ای جدید بخود گرفت و حوادث برای چندمین بار در عرض یکسال نشان داد که "درایت"، "مداقت" و "امانت" فقط در نزد مسلمانان و خاصه برگزیدگان، نخنگان و خبرگان ما است و بس. در جریان انتخاباتی که برآستی در دنیا کم نظیر است، تمامی دست اندرکاران حکومتی از صدر تا ذیل از فقها به ترتیب قد گرفته و نوادگان و نانشان به ترتیب عقل، از بزرگ عماداران تا کوچک چماق داران نشان دادند که در جمهوری اسلامی ایران، در جمهوری فقها، در جمهوری ماشالله قصابها، در جمهوری بحث آزاد آقای بنی صدر، در تنها کشوری که "دموکراسی" و "آزادی" به معنای واقعی کلمه وجود دارد، تمامی مردم "آزادند" که نمایندگان خویش را برای جامه عمل پوشاندن به اصل اسلامی "شاورهم فی الامر" به مجلس اسلامی بفرستند.

خوشحانه در جمهوری جوان ما - در جمهوری که به پایمردی بهشتی ها و بازرگانها و امیر انتظامها ایجاد گردیده است، همهی موانع برای ایجاد یک فضای کاملاً "آزاد" برای انتخابات رفع گردید! از مدتها قبل طرح کاملاً دموکراتیک انتخابات دو مرحله ای به تصویب شورای انقلاب رسید، سپس جماداران حرفه ای برای مواظبت و حراست از میتینگهای انتخاباتی به اقصی نقاط ایران اعزام شدند، و در آخرین فرصت انتخاباتی جزوهی معروف منافقین پخش گردید و دست آخر در شمارش سریع آراء با کامپیوتر دستی از هر گونه سوء استفاده و احتمالاً تقلب جلوگیری شد. برادران بسیار "انقلابی" بار دیگر ثابت نمودند که جمهوری اسلامی جوان ما بر پایه تکاثر سه اصل صد در صد اصیل "چماق، تزویر و تحمق" استوار است، و هر آنچه خارج از این سه رکن اساسی جمهوری اسلامی قرار گیرد، بی شک با "ضد انقلاب" و ارواح خبیثه "کمونیسم بین الملل" که شحش آسمان ایران را تیره و تار نموده در ارتباط است. از اینرو است مسلمانان ایران ضمن عرض تهنیت به مسئولین امور در برگزاری چنین انتخاباتی آزاد، از درگاه خداوند متعال و قیام قادر خواهان طول عمر تمامی این بزرگان بوده و بار دیگر بر آنست که در دومین بهار آزادی و در آستانه مرحله دوم انتخاباتی با همه رهبران عهد و پیمان ببندند و با رای دادن به کلیه نامزدهای ائتلاف بزرگ، انقلاب اسلامی ایران را جاودانی کنند!

سارز" را ندارند. بهر رو تمام فعل و انفعالات مسوق و همچنین بائی ماندن پست وزارت کشور در ید مطلق حزب - علیرغم استعقای رفسنجانی - از جمله مسائل سود که به حزب جمهوری اسلامی ابزار و قدرت کافی برای "پیروزی" در انتخابات مجلس را مبداد. حزب با تکیسه بر قدرتهای جدیدا کسب شده و امکانات قبلی میتوانست در مبارزهی انتخاباتی دست پیش گیرد و تعداد نسبتا مهمی از کرسیهای مجلس را بخویش اختصاص دهد. اما از سخت بد حزب فراقبر جمهوری اسلامی، این حزب در جامعهی فعال است که بسیاری از چشمها ساز و کوشها شنوا است و نودهی مردم با تیز بینی خاص سیاسیان ناظر قضا با. حزب به تجربه و در طول فاصلهی بعد از اسخایات خیرکان دریافتنه است که ادامه کامروا - ثی صرفا با تکیه بر بیت المال و اهرمهای دولتی و غیر دولتی فشار، ممکن نیست و برای ادامهی حیات و اظهار وجود در میان مردم احتیاج به اهرمهای جدید دارد. حزب جمهوری بدون کسب حیثیت از دست رفته در انتخابات ریاست جمهوری نمیتوانست در مجلس موفق باشد. ارایترو بخشی از "روحانیت مبارز" به تکاپو مافتد و بر آن مسود که به حزب و جوری متحد. نمای اهرمها

آنان آقای سید احمد خویشیها است. و بیکیاره ایشان - یعنی آقای خویشیها - شخصیکه در رهبری دانشجویان بیرو خط امام بنا بود آقای پهبستی و رفسنجانی را افشاء نماید از لیست کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی سسر در میآورد و خط امام با پیوستن به حزب جمهوری اسلامی راه را برای صعود حزب به پارلمان تسهیل مینماید. توضیح آنکه سید احمد خمینی نیز درست یکروز قبل از آنکه منازعهی دانشجویان بیرو خط امام و شورای انقلاب آغاز شود در مقام یک مصلح اجتماعی و شخصیکه صرفا بسه معنویات می پردازد و به اینگونه مسائل نمی اندیشد عملا طی مباحثهای با خبرگزاری پارس عدم ارتباطشان را با دانشجویان اعلام میدارند و ...

اما با تمام این تدارکات حزب مجبور به تقلب میگردد و این یک شکست بزرگ برای حزبی است که تا همین چندی پیش خود را بیکه تاز میدان سیاست مینداخت. حزب اقتضاج تقلب را بجان و دل میخرد و برآن است که تسودهی "مسلمان" قادر به تشخیص آن نیست، در حالیکه بسیاری از همسن "مسلمانان"، کسانیکه تا آگاهانه در نظا هرات و راه - پیمائی های حزبی جمع میشوند خود با معیارها و مقیاسهای خرسنان سره از ناسره را تشخیص مدهند. بناح اعلام

اما با تمام این تدارکات حزب مجبور به تقلب میگردد و این یک شکست بزرگ برای حزبی است که تا همین چندی پیش خود را بیکه تاز میدان سیاست مینداخت. حزب اقتضاج تقلب را بجان و دل خرید و بر آن است که تسودهی "مسلمان" قادر به تشخیص آن نیست، در حالیکه بسیاری از همسن "مسلمانان"، کسانیکه تا آگاهانه در نظا هرات و راه پیمائی های حزبی جمع میشوند خود با معیارها و مقیاسهای خرسنان سره از ناسره را تشخیص مدهند.

و منحملة نوطنه، بکار گرفته میشود تا بلکه با نقوش معجزه انکیرش از سقوط نهائی حزب جلوگیری شود. "ناگهان" مسئلهی کروگانها و ادامهی کار کمیسیون تحقیق بالا میگردد. شورای انقلاب موافق ادامهی کار کمیسیون تحقیق و ملاقات آنان با کروگانها است، "دانشجویان بیرو خط امام" مخالفند، حزب جمهوری اسلامی ظاهرا با شسبشورای انقلاب مخالفت میکند و سیاهیای در پشتیانی آنان صادر مینماید، نلوبزیون خویشیها، قطب زاده را به پای میز محاکمه میکشاند... و ظاهرا جنک مغلوبه میشود. و بالاخره امام امت با موافقت با ادامهی کار کمیسیون تحقیق و مخالفت با ملاقات تمامی کروگانها توسط اعضای کمیسیون تحقیق و سپس پشتیانی رسمی از سنی صدر و ضمنی از قطب زاده معرکه را فیصله میدهد.

نتیجه آنکه در طول کشمکشها حزب جمهوری اسلامی ضد امیربالیست میشود و آبروئی کسب مینماید، شورای انقلاب و شخص شخصیت صدر و قطب زاده مورد تأیید امام امت قرار میکبرند و دانشجویان بیرو خط امام نیز بمتابهی عدهای که در حسابان باکی نیست و در آنان غشی وجود ندارد معرفی میشوند. "ائتلاف بزرگ" در شب انتخابات صورت میکیرد، سه تن از اعضای جامعهی "روحانیت مبارز" و رفهی "ائتلاف بزرگ" را امضاء مینمایند که یک تن از

شده در بسیاری از شهرستانها نشان میدهد که بسیاری از محاسبات حزب در مورد کاندیداهایش اساسا تا درست بوده است. کاندیداهای حزب با آنکه از تمامی امکانات بیرو خوردار بوده و اهرمهای قدرت در دستشان بود و با آنکه کمتر موردی است که تقلب حزب جمهوری اسلامی آشکار نشده باشد با اینحال موفقیت چشمگیری نداشته اند. در اکثر شهرستانها انتخابات به مرحلهی دوم کشیده شده است، و در بسیاری از این شهرها کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی در رده های دوم و سوم قرار دارد. در شهرهایی نیز که کاندیداهای حزب نتوانستند در همان مرحلهی اول انتخاب شوند، اختلاف آراء آنان با دیگر کاندیداهای در حد ناچیزی است. و از آن گذشته تعداد آراء حزب در مقایسهی این انتخابات با انتخابات مجلس خیرکان بشدت افول نمسوده است. بطور مثال مقایسهی تعداد آراء بدست آمده توسط نمایندهی حزب جمهوری اسلامی در شهری مانند اصفهان - شهر که جو مذهبی در آن غالب است - با تعداد آراء در انتخابات مجلس خیرکان بیانگر آنست که حزب علیرغم تمام تقلبات شرعی و غیر شرعی اش نتوانسته است پایگاه متصورا تسوده ای خویش را حفظ نماید. آراء بدست آمده در شهرستانها برای حزب جمهوری اسلامی و سردمداران بقدری تکان دهنده بود که در شمارش آراء تهران راهی جز تقلب آشکار

در مقابلسان وجود نداشت .

بهر حال حزب جمهوری اسلامی با تقلب توانسته است تعداد زیادی از کرسیهای پارلمان را به خویش اختصاص دهد و بدین ترتیب راه را برای یک دولت فرمایشی همسوار نماید . اما راه یافتن ایشان به مجلس نه تنها گرهی از مشکلات انبوه ایشان باز نخواهد کرد، بلکه بر شدت مشکلات آنان و سردرگمی هائی که ناشی از نداشتن برنامه ، کادر و همچنین وجود باند بازی به نهایت درجه است، خواهد افزود . صرفاً مجلسی را در ذهن مجسم نمائید که افرادی چون پیور - استاد، طحالی، هادی غفاری و محمد منطری... در آن بنشینند و امت مسلمان را در راه پر پیچ و خم مبارزه انقلابی رهنمون سازند...

*** "لیبرالها"**

اما اگر حزب با تقلب به مجلس راه یافت و توانست نامی اهرمها را در راه صعود به پارلمان در خدمت گیرد ، سرنوشت "لیبرالها" داسنان خاص خویش را دارد . "لیبرالها" که افشاگریهای کوبنده و "توفنده" پیروان خط : امام" آنها را به زیاله دانی تاریخ افکنده بود باردیگر در محبت آقای بهشتی امید نازهای یافتند؛ آن مکانیزی که "پر سبز" دانشجویان خط امام را به حزب فراگیر جمهوری اسلامی منتقل نمود در حرکت خویش عملاً از "لیبرالها" باز مانده حیثیت نمود . هنگامیکه دانشجویان پیرو خط امام عملاً از سوی رئیس جمهور و تطب زاده نه دروغگوئی منجم میسوند و امام امت در این مورد سکوت مینماید، این لیبرالها هستند که سود میبرند و از مظان اتهام خارج میسوند ، و نتجتاً بار دیگر چون بار غار حزب وارد کود میسوند . حتی از آن فراتر برای اینکه دم خروس تقلب در انتخابات تهران از لای عیای آقایان آشکار نشود، آقای معین فر تعداد آرایشار رفسجائی بیشتر میشود و... و "نهضت آزادی" که اینبار با نام "هنام" وارد کود میسود تعداد سینا مهمی از آراء تهران را بخود اختصاص میدهد . بهر حال سیر حوادث نشان داد که نه بورژوازی آقای بازرگان و نه خرده بورژوازی آقای بهشتی هیچکدام در این لحظه به تنهایی قادر به حفظ قدرت میسوند و ائتلاف آنان در مجلس نیز ادامه خواهد یافت ...

بر واضح است که "لیبرالهای" وطنی همانند گذشته نه در یک صف و نه در یک جبهه ظاهر شدند . مدنی ژنرال سلطنت طلب که در انتخابات راست جمهوری پیشش از دو میلیون رای را به خود اختصاص داده بود در طول مبارزات انتخاباتی منسوس نورایملی، عملاً قادر شد به تنها جبهه ملی را به ربر پرجم خویش کنانند ، و با ملاقاتهای محرمانه اش با امام و جلب بستمانی وسیع بازار راه ورود به پارلمان را هموار سازد بلکه خویش را چون بارزترین جبهه سوری "لیبرالسم" بورژوازی تثبیت نماید . اما چنانکه نتایج انتخابات نا به امروز نشان داده است ، مدنی تنها مدافع بورژوازی در مجلس نخواهد بود . در کنار کاندیداهای جبهه ملی (سجایی، ابولفضل قاسمی و...) و چهره های

از "نهضت آزادی" - همام - برخی از برگزیدگان بنی صدر نیز حضور خواهند داشت . اما هر چند برای جناح جبهه ملی - مدنی و نهضت آزادی پیروزیهای بدست آمده غنیمت است، برای جناح بنی صدر نتایج ناسفانگیز است . بنی - صدر - دون کیشوت انتخابات ریاست جمهوری - که پیش از انتخابات با برنامهی مشعش کنگره انقلاب اسلامی به پیش آمده بود و بر آن بود که به نیروهای پراکندهی اسلامی سر و سامان بخشد بناچار تن به واقعیتهای زمینی داد و فعلاً ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا اکتفا نمود و نتیجتاً نمایندگان که قرار بود از جانب کنگرهی اسلامی به ملت مسلمان ایران معرفی شوند از جانب دفتر همکاریهای مردم با رئیس جمهور ، معرفی شده اند . دفتری موهوم و بی هویت که عملاً پشتیبانی اش از این یسا آن کاندیدا تاثیر چندانی در سرنوشت وی ندارد . کنگرهی اسلامی آقای بنی صدر مرده بدنی آمد و نتوانست به ده میلیون رای بنی صدر شکل سازمانی بخشد .

با اینحال بنظر میرسد که طیف "لیبرالها" در مجلس و نیروی اجتماعی که در حمایت از آنان بسیج گشته است - با وجود تمام آن افشاگری های کذائی - بحدی باشد که موازین نیروهای اجتماعی را بنفع مالکیت خصوصی مشروع فیصله دهد . بعبارت دیگر اولین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی به بهترین وجهی بیانگر چهره ی طبقاتی هیات حاکم است . ترکیب نمایندگان اکثریت همانا ترکیب ائتلاف بورژوازی و خرده بورژوازی است .

در طول معرکهی انتخابات مجلس ، خطوط تجانس و مرز - بندیهای نیروهای سیاسی نه تنها برای حاکمین بلکه برای نیروهای اپوزیسیون نیز روشن تر گردید . معرکهی انتخاباتی مجلس ، به بهترین وجهی مسیر احتمالی روند تحولات آتسی را در میان نیروهای سیاسی اپوزیسیون روشن ساخت . شکل شرکت در انتخابات توسط نیروهای اپوزیسیون ، برنامه های ارائه شده از جانب آنان و ائتلافهای قبیل از انتخابات و نتایج حاصله ، بیانگر نکات مهمی از روابط و مناسبات این جریانات با یکدیگر و ارتباط ارکاسیک آنان با زمینکشان میباشد . هر چند برای تحلیل نهائی بایسد منتظر خانمهی مرحلهی دوم انتخابات بود، اما میتوان محصراً به اهم نکات آن اشاراتی نمود .

*** فدائیان خلق**

ما در شماره های گذشته رهائی نکرات در مورد زیانهای ناشی از خود راست بینی و انحصار طلبی فدائیان در درون جنبش کمونیستی هشدار داده ایم و گفته ایم که چگونه این خود راست بینیها از نهاد فکری رفقا نشات میگیرد و نشان داده ایم که چگونه جزء مکمل جنبش بینشی سازشکاری است . در گذشته در زمانیکه فدائیان خلق در اذهان خود و بسیاری از هواداران شان نه انسانهای زمینی بلکه اسطوره هائی از "سرسخت و بیژنه" منموندند که با یاری گرفتن از حماسه های گذشته قادر به جذب و جلب شده ها بودند، انتقادات ما ، ایرادات و اشکالات بنی اسرائیلی قلمداد میکردیدند ، و

"ساست هر دو آنها (منظور رفقا گروه اشرف دهتانی نیز میباشد) عمیقا مورد ستایش و احترام جنبه‌ی دمکراتیک ملی و سازمان محاهدین خلق است و از لحاظ مضمون با سیاست احزاب بورژوازی لیبرال هم سواست". (کار شماره‌ی ۵۰)

اما سفسطه‌ی فدائیان در مورد "راه کارگر" تنها استدلال نوده استی رفقا سبب، در مورد جریانات موسوم به خط سوم رفقا دسته استدلالی زده‌اند که حزب بوده بایس شکل حتی جرات ابرار آنرا ندارد. رفقا در این مورد در مقام نصیحت مینویسند:

"بیش و تفکر بیکار مجبور است بالاخره تکلیف خود را روشن کند یا موجودیت اردوگاه سوسیالیستی و استرنا سونالیسم پرولتاریائی را بپذیرد و یا به یک جریان سه جهانی تبدیل شود و با مارکسیسم و جنبش طبقه کارگر بطور کامل وداع گوید". (کار ۵۰) و چون السه "بیکار در افغانستان از جریانی بنام "اکثر" حمایت میکند" (همانجا) و "همان ایدئولوژی ورنکسته و ارتجاعی خرده بورژوازی عقب مانده و در حال تلاشی را که با شعار نه شرقی نه غربی به میدان آمده، (عبارت رفقای فدائی که معنای ارتجاع را نمیدانستند) و بار هم صد عجب که ایبرا کسانی مینویسند که عندالروم بیرون مینویسند همین ایدئولوژی خرده بورژوازی مینویسند "روحانیت مبارز و ضدامپریالیست" - کار ۳۵) به عاریت گرفته و میکوشند رنگ و لعاب علمی و آکادمیک بآن بدهند" (همانجا) پس جریانات خط سوم و بیکار نیز مورد لطف رفقا قرار نمیگیرند. بعبارت دیگر از نظر فدائیان خلق صف بندی نیروهای کمونیستی در رابطه‌ی آنان با مبارزات طبقه کارگر و نیروهای حاکم نیست زیرا ایشان مدعیینند که:

"برنامه‌ی حداقل سیاست و خط منی بیکار در برابر حاکمیت و مبارزه‌ی طبقات و تحلیل این جریان از موضعیت فعلی نسبتا منطقی و از سایر جریانات مدعی مارکسیسم، به برنامه و سیاست سازمان ما نزدیک تر است". (کار - ۵۰)

بلکه در رابطه‌ی آنان با کشورهای "سوسیالیستی" و شوروی میباشد. فدائیان این دایه‌های مهربانتر از مادر طبقه کارگر شوروی (هر چند که خود سولوف معتقد است دیگر در شوروی طبقه‌ای وجود ندارد چه برسد به طبقه کارگر!!) بگونه‌ای از شوروی دفاع مینمایند که کوئی صحبت بر سر شرکت در پارلمان شوروی و یا حتی افغانستان است. این نوع احتجاج اگر توده‌ایسم نیست پس چیست؟ "یا با من یا علیه من"، "یا با شوروی یا با امریکا" و "یا این و یا آن"، "با سیاه و یا سفید"... و این نوع نگرش به سوسیالیسم نگرشی نوین نیست. این همان دیدی است که از سوسیالیسم مذهب، از "زهیران" پیامبر ار منکوو یکس کعبه میسازد، مذهب و کعبه‌ای مانند همه‌ی مذاهب و کعبه‌ها، ایدئولوژی در راه تسخیر بشر و نه آزادی آن و مذاهب و کعبه‌ها ارزیابی تمام نوده‌ایها - چه قدیمی و چه جدید آن - باد.

ما جزء کفار محسوب میندیم. ۴۱ در طول اینجانات اخیر انحرافات رفقای فدائی بندری مابان و آشکار میسود کسه از طرف بسیاری از همان مسجور سدکان قدرت جاذبه به ریسر سؤال کشیده شد. نا آنجا که رفقا مجبور شدند چسبند صفحهای از نشریه‌ی "کار" - شماره‌ی ۵ - را به دفاع از "زهائیان" در مورد عدم پشتیبانی از نیروهای مستقل چپ و پشتیبانی از کاندیداهائی چون کلزاده‌ی غفوری و شانه‌چی اختصاص دهند و مهای رادیکالیسم ظاهری، احتجاجات حزب نوده را تکرار کنند.

استدلال رفقا در مورد عدم پشتیبانی از "راه کارگر" و جریانات موسوم به خط سوم در نوع خود بی نظیر است. فدائیان "راه کارگر" را لیبرال مینامند چون شعار "مرک بر ارتجاع" میدهد. رفقای فدائی برای اینکه نشان دهند فی المثل چرا "ارتجاع" مورد نظر "راه کارگر"، "ارتجاع طبقاتی" نیست، سعی بخود زحمت میدهند که از تشریحات "راه کارگر" استفاده بنمایند و بجای آن ارتجاع را "همان عقب ماندگی فرهنگی خرده بورژوازی" تعریف نموده و چسبون برداشت "راه کارگر" از ارتجاع را نادرست دانسته و متعدد خط راه کارگر "خط دیالکتیک مبارزه‌ی طبقاتی نسبتا" خط کج بینی هستی موجود از خرده بورژوازی است". (کار ۵۰ - تاکید از ماست ولی تعیین مفهوم بعین خود فدائیان است) پس مورد ستایش و احترام جنبه‌ی دمکراتیک ملی و سازمان محاهدین خلق است" و نتیجتا از "لحاظ مضمون با سیاست احزاب بورژوازی لیبرال همسواست".

قصه ما در اینجا به توضیح ارتجاع از زبان "راه کارگر" - کاریکه رفقای فدائی با صداقت نام انجام داده اند - و نه حتی نشان دادن این نکته است که از مقوله ارتجاع در فرهنگ مارکستی مقوله‌ی روشنائی چون عقب ماندگی فرهنگی خرده بورژوازی استنباط نمیشود. ما آن توضیح را به "راه کارگر" و توضیح مقوله‌ی جسون ارتجاع را به کتب آموزشی مارکسیسم واگذار مینمائیم. رفقای فدائی خود باید بخوبی بدانند که "راه کارگر" در این مورد چه گفته است و معنی طبقاتی ارتجاع چیست؟! و اینجس برای نوجه گروه کراشی خویش و دساله رویشان از "خط امام" از زبان نیروی دیگری تئوری واهی بسرای حمله‌ی دون کیشوت وار بآن، اختراع نکنند. این نسوع استدلال ناید از نظر فدائیان کشف جدیدی باشد ولی در حقیقت همان متد شناخته شده‌ی قدیمی است. این همان فعل و ارویه‌ی آشنای حضرات نوده‌ای است که اینبار بدس نکل ظهور مینماید! خود حزب "بر افتخار" نوده بارها از جانبها نقل قولهای آورده است و آنرا به مصاف طلبیده است که روح سوسیندکان شما از آن خسر نداشته است و اینبار شما اسن عمل را با دیگران انجام میدهد و علاوه بر آن برای رهائی از تنگنا و برای خلاصی از دست "هواداران" سمح که دیگر همه‌ی حرفهای شما را قبول ندارند اخبارا باید همه را به بورژوا لیبرال بسودن منبم کنند:

اما بیش بوده ابستی فدائیان فقط به این زمینه محدود نشده و کم و کم عرصه های عملی را سز در سر گرفته است. سه نقل قول ربر توجه کنید:

"بعلاوه بنظر میرسد که در این سازمان (منظور سیکار است)، لافل در سطح کسانی که با واقعیت های مبارزه طبقاتی تماس ملموس تری دارند کامهای مثبتی در جهت مقابله با اکونومیسیم و بطور کلی تصحیح خط صی به بیس برداشته تده باشد."

(کبار شماره ۵)

در فرهنگ نوده ایسی اس را میکوبید بارگیری، توده اشیا سر در این زمینه سحر حاصی دارند، آنها نیز بارها و بارها در مورد "کسانیکه با واقعیت های مبارزه طبقاتی تماس ملموس تری دارند" سخن گفته اند. آنها سیزمانندرقای فدائی منتظر "کرایش هائی که بوئی از تصحیح دیدگاه رami دهد" - کار ۵ - بوده اند باورمان ندارید به این نوشته حزب توده بوجه کنید:

"چنانکه یاد کردیم، جریکهای فدائی خلق ایران منا - سفاهه مواضع بیکیری اعلام نکرده اند. سیاست و مسی آنها بر از نوسان و روزانه خوری است. با اینحال در میان جریکهای فدائی خلق بسیارند کسانیکه درست مانندبند و در فکر جاره اند. نوشته هائی از نسوع "ارهم در باره وظائف اساسی ما" "چند مقاله درباره مسائل کنونی جنبش" از "علی کشنکر" نمونه هائی است از کوشش برای طرح درست مسائل" (تکیه از ما است)

مردم - دوره هفتم، سال اول، شماره ۲۸ دوشنبه ۲۸ خرداد ۵۸ - ص ۴

سبعبت نکند اگر ما هم به سیهی خود رفعا استدللال مانم و بگوئیم:

"سیاست فدائیان خلق عمیقا مورد سایش و احترام حزب تودهی ایران است، و از لحاظ مضمون ساسا احزاب روبرویست هم سو است."

باور ندارند به لیست مورد حمایت حزب توده در انتخابات مجلس سورا ملی نگاه کنند:

.....

سید هب الله طبیب غفاری

.....

علی محمد فرحنده جهرمی (کشنکر)

حجبالاسلام دکمرعلی کلزاده عفوری

.....

حاج محمد مدر نانه حی

.....

آری فدائیان با این استدلال از حمایت کاندیداهای مترسی کمونیست سر نار مبرند و در عوض ار حاج محمد مدیسر ساندی "تحصیل ساسی و مورد حمایت کسه و بنسبه ورا و سازاریان مترسی و مبارز بهران" و آتبالله علی کلزادهی عفوری "روحانی برقیخواه و مبارز" - اعلامیهی مورجدهی ۲۵ - اعند - حمایت مینامند. زیرا که انسان "نه کل کبری حبهی خلق ناری میرسانند" "به بهویست رادیکالسم در جنبش کمک" میکنند. اینترا میکوبند

حمایت از صف مستقل طبقه ی کارکر در مبارزه علیه امیریا - لیسم و ارتجاع.

بیر واضح است که انتقاد از فدائیان در مورد عدم حمایت شان از دیگر کاندیدهای چپه بمنظور دفاع از تسز لیست مشترک و نه حتی در تائید نظریه شرکت در انتخابات است، در این موارد به تفصیل در رهائی ۲۵ سخن رفته است. قصد ما از این انتقادات نشان دادن علل و نتائج انحصار طلبی فدائیان خلق در صفوف جنبش کمونیستی و شکافتن این مسئله و مسائل دیگر در رابطه و با توجه به ادعاها و گفته های نیروهای مختلف در کیر در جنبش ساسی ایران است.

اما هرچند فدائیان نمونهی خوبی از درایت سیاسی نشان ندادند و از بوسته تنک سکتاریسم خویش خارج نشدند، برخی از نیروهای دیگر - هرچند در مواردی بسیار غیراصولی و سیاست مآبانه - توانستند به جنبه هائی از همکاری - و با بهتر بگوئیم تعاهم های اولیه - دست یابند. پشتیبانی جریانات خط سوم از "کوموله" و "راه کارکر" و بالعکس پشتیبانی "اتحاد چپ"، "حزب کارگران سوسیالیست" و "جنبش کارگری" از دیگر جریانات چپ، عملا توانست در تقویت بلوک چپ در انتخابات موثر امند. هرچند این همکاریها فاقد یک برنامه سیاسی مشخص و یا حتی برنامه عملی مشخص بود و در مواردی که خود شاهد بوده ایم یک همکاری عرفا تاکتیکی سه حساب میامد، اما بخودی خود امری مثبت بود. در حنین وانفاسائی که هر جریانی خود را "راهبر" و "راهبر" طبقه کارکر مینماید، اینگونه همکاریها - در صورت تداوم - میتواند به بسیاری از کج اندیشی های ساز - مانها در باره یکدیگر خاتمه دهد و راهکشی همکاری هرچه گسترده تر جریانات چپ در آینده باشد.

تجربه انتخابات در میان ملیتها نیز قابل توجه است. در ترکمن صحرا عملا از شرکت خلق ترکمن در انتخابات خلوکیری شد. خلق عرب نیز با بوجه به جو خاکسم نتوانست کاندید خویش را معرفی نماید. در کردستان نیز درها بر روی کوموله بسته شد. در سنندج و مریوان که امکان انتخاب نمایندگان کوموله قطعی بنظر میرسد، عملا از بر - کزاری انتخابات خلوکیری شد. در مهاباد، سوکان و پیرا - سهر، کاندیداهای حزب دموکرات نتوانستند با فاصله زیاد از کوموله و فدائیان - بیسی بکیرند. بنظر میرسد که علت عدم موفقیت کوموله در سوکان و سردشت - در شهرها شیکه هم کوموله از نفوذ نسبتا توده ای برخوردار بوده است و هم کاندیداهای معرفی شده از محبوبیت محلی نسبتا خوبی برخوردار هستند - ناشی از پاره ای از اشتباهات ساسی کوموله باشد. هرچند عدم پشتیبانی فدائیان از کوموله، و این در صورتی بود کسه از پیش روشن بود که فدائیان مثلا در سوکان امکان بیروزی ندارند، نیز در شکسته شدن رای بلوک چپ در مقابل حزب دموکرات موثر بوده است. ما نیز مانند خود رفقای کوموله با بعضب

در یافتیم که کاندیدا های حزب دمکرات
در ایستگاه دوسرین پیروز
کاندیداهای کوموله بسی گرفته اند. پیروزی
حزب دمکرات با سترین را در حوادث بعدی
کردستان خواهد گذاشت و احتمال سازش
حزب دمکرات - حول طرح سر ماده ای حزب
برای خود محباری - که اکنون با داسن
جند نماینده در مجلس از موضعیت بسیار
سختگمتری برخوردار است. راضی هم نرس
خواهد کرد. اکنون با امکان آغاز حرکت
محدد در کردستان احتمال برکناری
استجابات در سیدج ، مرهوان ، سفز
سیار کم است و احتمالاً آنها سخته؛
که از جانب سازمانهای چپ و بعثتوان
نمایندد طبیعتاً تحت ستم ایران باشد
مجلس سور راه پیدا میکند ، کاندیدای
سازمان حرکت های فدائی طلق از بلوچستان
است .

اما همسرین دست آورد استجاب سه
شخص از مسائل فوق ، بلکه همما آگاه
ندین بسیاری از نوده های مردم اردستان
و طبقات رژیم حاکم است . بسیاری از
مردم بر این باورند که در حال حاضر
"تحت آراد" یعنی صدر و دربر سو "تظلم و فدا -
نون" جمهوری اسلامی ، مستعدین و مخالفین
رژیم نبره می توانند وارد مجلس شوند ، ولی
در عمل و نه تجربه "دمکراسی" اسلامی آقایان
را لیس کردند . مردم برای العسین
در یافتند که "دمکراسی اسلامی" آقایان
جبری حرکتها سر رسد ایل صد در صد .! صیل
"چماق و نیزه و حلقه" ستم و این شناخت
از ریاکاری رژیم ، راهگشای آینده
سازان است .

در یافتیم که کاندیدا های حزب دمکرات
در ایستگاه دوسرین پیروز
کاندیداهای کوموله بسی گرفته اند. پیروزی
حزب دمکرات با سترین را در حوادث بعدی
کردستان خواهد گذاشت و احتمال سازش
حزب دمکرات - حول طرح سر ماده ای حزب
برای خود محباری - که اکنون با داسن
جند نماینده در مجلس از موضعیت بسیار
سختگمتری برخوردار است. راضی هم نرس
خواهد کرد. اکنون با امکان آغاز حرکت
محدد در کردستان احتمال برکناری
استجابات در سیدج ، مرهوان ، سفز
سیار کم است و احتمالاً آنها مانده؛
که از جانب سازمانهای چپ و بعسوان
نمایندد طبیعتاً تحت اسم ایران بیست
مجلس سور راه پیدا میکند ، کاندیدای
سازمان جریکهای فدائی طلق از بلوچستان
است .

اما همسرین دست آورد استجابات سه
شخص از مسائل فوق ، بلکه همما آگاه
ندین بسیاری از نوده های مردم اردستان
و طبقات رژیم حاکم است . بسیاری از
مردم بر این باورند که در حال حاضر
"تحت آراد" بنی صدر و دربر سو "تظلم و فدا -
نون" جمهوری اسلامی ، مستعدین و مخالفین
رژیم نبره می توانند وارد مجلس شوند ، ولی
در عمل و نه تجربه "دمکراسی" اسلامی آقایان
را لیس کردند . مردم برای تعیین
در یافتیم که "دمکراسی اسلامی" آقایان
جبری جز نتوانند ارسال صد در صد ؛ صیل
"چماق و نیز و بر و حمق" نیست و این شناخت
از ریاکاری رژیم ، راهگشای آینده
سازمان است .